

کارگران سخن میگویند!

هسته کارگری مبارز افغانستان

اسد ۱۳۹۵ (آگست ۲۰۱۶)

شماره (۱۳)

دور دوم



www.kargaranafghanistan.blogfa.com

hastakargari@yahoo.com

آدرس وبلاگ ما:

ایمیل آدرس ما :

تسلیمی و تسلیم طلبی در قبال اشغالگران امپریالیست

و

رژیم پوشالی خیانت ملی است

که اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده بعنوان دشمن عمده کشور و مردمان کشور نشانی نموده، مبارزه با این دشمنان عمده کشور و مردمان کشور را وظیفه عمده مبارزاتی اش می داند. به این ملحوظ از تمامی نیروهای ملی، دموکرات و میهن پرست می خواهد که علیه اشغالگران امپریالیست و اشغالگران داعشی با مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی به پا خیزند و این مبارزه را تا بیرون راندن کامل اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده به پیش برند.

مشی دوم، مشی تسلیم طلبانه در قبال اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده می باشد. پیروان این مشی احزاب شان را در وزارت عدلیه رژیم راجستر نموده به این طریق قانون اساسی رژیم دست نشانده را به رسمیت شناخته و بر اشغال کشور مهر تأیید زده اند و برای میهن فروشان کمپاین انتخاباتی راه انداخته اند. پیروان این مشی بر تضاد بین قدرت و ضعف تأکید می نمایند. گرچه پیروان این مشی انحرافی خود را نیروهای انقلابی میدانند و برای راضی نگهداشتن اعضای شان استدلال می نمایند که در شرایط کنونی اشغالگران و رژیم دست نشانده قوی و ما ضعیف هستیم توان مقابله با ایشان را نداریم لذا باید در درون رژیم در آیییم و با همکاری های ممتد با ایشان خود را از ضعیف به قوی بدل نموده و بعداً علیه شان به مبارزه برخیزیم. هم چنین برای راضی نگهداشتن اعضای شان لبه تیز مبارزاتی شانرا علیه اشغالگران داعشی، نیروهای ارتجاعی عقب گرا طالبی و جنگ سالاران جهادی درون رژیم نموده اند. در حقیقت برای این نیروهای مرتد انحرافی، طالبان و جنگ سالاران جهادی دشمن عمده محسوب می گردد، اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده

در هر جامعه و هر پدیده تضادهای متعددی (تضاد به معنی اختلاف) یافت می شود. که از آن جمله یکی از این تضادها، تضاد عمده و بقیه تضادها به شمول تضاد طبقاتی غیر عمده و در ردیف دوم قرار دارد و حالت تابع را اختیار می کند. وقتی از مجموع کل تضادهای موجود در جامعه، تضاد عمده را شناسائی کنیم، مراحل مختلف اجتماعی را به آسانی میتوانیم حل نماییم در غیر آن انسان خیالاتی گردیده و به تجدیدنظرطلبی و فرصت طلبی دچار میشود.

افغانستان شوربخت مستعمره - نیمه فیودال که در آن یک نظام خاین و دست نشانده حکم می راند. در این جامعه تضاد با اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده عبارت از تضاد عمده می باشد، تا زمانیکه این مرحله سپری نگردد، یعنی اشغالگران از کشور بیرون نشوند و رژیم دست نشانده شان سرنگون نگردد، این تضاد بعنوان تضاد عمده باقی خواهد ماند. بقیه تضادها بشمول تضاد طبقاتی تضاد غیر عمده محسوب می شود. در شرایط کنونی وظیفه عمده مبارزاتی "هسته کارگری مبارز افغانستان" و سایر نیروهای انقلابی، مبارزه و مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی علیه دشمنان عمده کشور و مردمان کشور می باشد. هر کسی که تضاد عمده و وظیفه عمده مبارزاتی را قبول نداشته باشد به نحوی با تسلیمی و تسلیم طلبی همنا بوده و می باشد.

هر کس نظر به موقف طبقاتی خود نسبت به اشیاء و پدیدهها برخورد می نماید. وضعیت کنونی افغانستان هم نمی تواند مستثنی از موقف طبقاتی باشد. در مورد اشغال افغانستان و نحوه مبارزه با آن در کشور ما دو خط مشی وجود دارد: یکی خط مشی نیروهای انقلابی است

نتوانیم با این تسلیم طلبی بطور جدی مبارزه نماییم و آنرا عقب برانیم، برای راه انداختن مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی به مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهیم شد. این تسلیم طلبی بی نهایت در امر انقلاب و مقاومت ملی مردمی و انقلابی، خطرناک است، چون توده ها را به انقیاد ملی وامیدارد و آنها را به بردگان بدون میهن تبدیل می نماید.

تسلیم طلبی ملی و طبقاتی از موقف طبقاتی سرمایه داری دلال ناشی می شود و زیان‌مندترین گرایشی است که اگر به آن بطور جدی برخورد نشود، مقاومت ملی مردمی و انقلابی را به شکست منجر نموده و به طرف سازش با اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده می‌کشاند. برای تامین آزادی توده‌های زحمتکش افغانستان باید با تسلیم طلبی ملی و طبقاتی در صفوف نیروهای انقلابی و بیرون از این صفوف به مبارزه برخیزیم و این مبارزه را در تمام شئون زندگی خویش بکار گرفته و آنرا گسترش دهیم.

دشمن غیر عمده شان است. بدین ملحوظ است که علیه اشغالگران امپریالیست مهر سکوت بر لب زده اند. گر چه در جلسات و مباحثات برای اینکه خود را انقلابی جلوه دهند، اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی را بعنوان دشمن عمده کشور و مردمان کشور قبول دارند و بقیه تضادها را تابع و درجه دوم می دانند، اما عملاً جرئت آنرا ندارند که حتی نیم صفحه و یا یک پاراگراف در این زمینه چیزی بنویسند و مبارزه با آنان را وظیفه عمده مبارزاتی خویش قلمداد نمایند. بناء بطور علنی و آشکارا تن به تسلیمی ملی در برابر اشغالگران امپریالیست و تسلیمی طبقاتی در برابر نیروهای ارتجاعی رژیم دست نشانده داده اند.

رسالت نیروهای انقلابی است که بطور جدی علیه تسلیمی و تسلیم طلبی این نیروهای به ظاهر انقلابی و باطنا خاین و میهن فروش به مبارزه برخیزند. زیرا این تسلیم طلبی در صفوف نیروهای انقلابی، ملی، دموکرات و میهن پرست تزلزل ایجاد خواهد نمود و جنبش را به اصلاح طلبی سرمایه داری دلال سوق خواهد داد. اگر ما

+++++

راه نجات چیست ؟

مجید

تعدادی به آرزوی شان رسیدند و تعدادی در آنها غرق گردیدند. تعدادی از روشنفکران هنوز در فکر بیرون کشیدن خود از کشور اند. شب و روز به این فکر اند که باید از این کشور رفت. تعدادی از این روشنفکران با همه لاف و گزاف دم از آزادی و استقلال میزنند، اما چهار نعل در زیر چتر اشغالگران می دوند و بر نیروهای انقلابی و میهن پرست و آزاد اندیشان کشور دشنام و لعنت میفرستند.

احزاب، گروه ها، سازمانها و تشکیلات راجستر شده به اشغالگران و رژیم پوشالی تسلیم گردیده و همه بخاطر گرفتن مقام و قدرت بر درگاه اشغالگران و رژیم پوشالی پیشانی به زمین می ساینند.

تداوم این راه به کجا میکشد؟ بر همه گان واضح است که به ترکستان.

مردم ما قربانی منافع انحصارگران امپریالیست شده اند. از زمان اشغال افغانستان تا کنون کشور ما توسط جنگهای تحمیلی غارتگرانه توسط اشغالگران به ویرانه‌ای مبدل گشته، ویک تعداد از روشنفکران تحصیل کرده به اشغالگران تسلیم شده و در جهت منافع شان گام برمیدارند و تعدادی از این روشنفکران تسلیم طلبی را پیشه نموده و به تبلیغ و ترویج منافع اشغالگران پرداخته اند. هر دو نیرو برای انقلاب افغانستان خطر جدی است و باید بطور پیگیر و جدی با هر دوی شان مبارزه نمود.

اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی آنچنان مردم زحمتکش را زیر فشار قرار دادند که لقمه نان صبح و شام را نمی توانند بدست آورند. تعداد زیادی از جوانان به مواد مخدر (که ترویج کننده آن اشغالگران و رژیم پوشالی است) روی آورده اند و تعدادی از جوانان کشور، آهنگ رفتن به اروپا، امریکا و... را نمودند که

مبارزه علیه اشغالگران و رژیم پوشالی ضرورت به نیروی انقلابی دارد و انقلابی کسی است که بخاطر آرمان انقلاب و در راه حصول آزادی مردمان کشور و استقلال میهن در برابر اشغالگران و زورگویان جبار زمان مبارزه بی امان در ستیز با تسلیمی و تسلیم طلبی به پا خیزد. در سنگر گرم و آتشین و یا سنگر قلم موضع بگیرد و از منافع شخصی خویش مایه بگذارد در امر رهبری جنبش و آگاهی دادن به مردم برای رسیدن به پیروزی و آزادی های حقوقی، سیاسی و فرهنگی در یک جامعه آرمانی که تامین منافع همه طبقات و زحمت کشان و همه اقشار جامعه در آن وجود داشته باشد خود را موظف بداند.

کسانیکه تن به تسلیمی و تسلیم طلبی داده اند در حقیقت به منافع توده ها پشت کرده و به امر انقلاب خیانت ورزیده اند.

انقلاب توسط اقشار و طبقات پایین جامعه صورت میگیرد انقلاب ضرورت به یک تشکیل پیشاهنگ طبقه انقلابی طبقه کارگر جهت رهبری توده های مردمی دارد، ریشه اصلی این پیشاهنگ پیوند با توده هاست که از طریق کادرهای انقلابی با کارگران و دهقانان در شهرها و روستاها ارتباط پیدا میکند، پشتوانه پیشاهنگ همین طبقات پایین جامعه یعنی کارگران و دهقانان میباشند. پیشاهنگ باید از حمایت خلق های رنج دیده و زحمتکش جامعه برخوردار گردد صداقت و اینار نیروهای انقلابی و کادرها میتواند اعتماد مردم را جلب نماید پراتیک صحت و ثقم هر مسئله و رویداد ها را محک میزند. در دوران مقاومت مردم افغانستان علیه سوسیال امپریالیزم و دولت دست نشانده، خلق های افغانستان در عملکرد نیروهای جهادی چه در دوران مقاومت و چه در زمان حکومت اسلامی شان شناخت از جهادی ها پیدا کردند و معرفت شان نسبت به جهادی ها کامل گردید و جهادی ها برای این ملت مرده پاکي نشستند و از هیچ تظلم دریغ نورزیدند. ویرانی کابل و کشته شدن ۶۵ هزار نفر در این ولایت نمونه بارز جنایات جنگسالاران جهادی است.

همچنین از حکومت طالبانی و سیاست های شئونستی بنام اسلام، ملت ما رنج های فراوانی دیده اند و به یاد دارند و زخم های کابلیان در تن شان به جا مانده است و داغ نبود فرزندان شان را در قلب ها احساس میکنند و در وقت رژیم دست نشانده کرسی در اثر بمباردمان های شبانه و کشتار دسته جمعی مردم بی گناه، تجاوزات جنسی، اختطاف های گسترده، فقر و فلاکت و بی خانمانی، آزار و اذیت توده ها، جستجو های

از کشته و زندانی شدن می هراسند همه چیز را در بدل بستر نرم می فروشد همه افتخارات را برای خود نسبت میدهند و همه القاب را در شان خود می بینند در بازیهای سیاسی منافع کشور و مردمان کشور را به معامله میگیرند تمامی ارزش ها را در بدل منافع شخصی، قومی، محلی، لسانی، مذهبی، و گروهی به حراج گذاشته اند. از نام انقلاب هراس دارند نسبت به کارگران، دهقانان و دیگر زحمت کشان بدبین می باشند و ایمان ندارند که توده ها سازندگان تاریخ اند. به این لحاظ روز به روز از آنان فاصله میگیرند.

ملت ما در فقر و بیچارگی دست و پنجه نرم میکنند بیسوادی، مرض، بی دوائی، بی سر پناهی در سرما و گرما به سر میبرند اعتیاد، آدم کشی، فحشا، دزدی، اختطاف، رشوه انواع و اقسام مظالم اجتماعی بر مردم تحمیل میشود. اما در نهاد تسلیمی ها و تسلیم طلبان حتی حس انسانیت نسبت به توده ها مرده است. بنا بقول سعدی:

توکز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

دشمنان مردم افغانستان بنام انسان دوستی، آزادی، حقوق بشر، کشور ما را اشغال کرده اند و زندگی مردم ما را تلخ ساخته اند و توسط وطن فروشان اولاد این وطن را بفرقه های مذهبی، گروهی، سیاسی قومی، لسانی در برابر یکدیگر قرار داده سلاح مهمات و پول و قدرت و چوکی در اختیار شان قرار میدهند، آنها بی شرمانه از این وسایل بر ضد منافع توده ها استفاده می نمایند تا مورد الطاف باداران شان قرار گیرند. در اینجا بحث ما روی جنگسالاران جهادی و غیر جهادی درون رژیم نیست، زیرا از آنها بیشتر از این نباید توقع داشت. بحث در اینجا روی تشکیلات و کسانیکه زیر نام انقلابی مردم و نسل جوان را می فریبند و در خدمت اشغالگران در آمده اند.

برای از بین بردن ناهنجاری ها از این کشور در قدم اول باید اقشار محروم این کشور (کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان) تحت رهبری پیشاهنگ شان متشکل شوند و این را درک نمایند که بدون پیشاهنگ طبقه کارگر نمی توان بساط ظلم و ستم را برچید. به همین ترتیب باید با تمام عناصر ضد اشغال در یک صف واحد علیه اشغالگران و رژیم پوشالی به مبارزه بر خیزند و تا بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده از پانشینند و تا آنجا پیش روند که دیگر نشانی از ستم باقی نماند.

آنچه برای ملت افغانستان باورمند است که می تواند دین و رسالت خود را در قبال وطن و مردمان کشور ادا سازند، همانا نیروهای انقلابی که با باور و اعتقاد به مبارزه و مردم در راه آرمانهای مردمی و انقلابی جان های خود را ایثار کرده اند و با حفظ پرچم آزادی برای سازنده گی این کشور و زندگی مردم و کوتاه ساختن دست های غیر از این کشور دست به تدارک و برپایی مقاومت ملی مردمی و انقلابی دست زده و می زنند.

آنانیکه احساس پاک دارند و غرور ملی شان پایمال نگردیده است میتوانند در خدمت انقلاب قرار گیرند و پرچم مقاومت ملی مردمی و انقلابی را با سرافرازی در امر حفظ رسالت تاریخی به احتزاز در آورده و ثبت تاریخ نمایند. تا باشد راه آزاد اندیش مردان تاریخ، آزادی این مرز و بوم در بلندای کوه پامیر و بابا درخشان و به اهتزاز در آید.

خانگی در ذهن مردم ما زنده و باقی است در زمان رژیم وحدت ملی جان کری هیچ اثری از حکومت دارای خوب دیده نشده بلکه ملت ما زیر بار جنگ فقر و نا امنی شان های شان خم گردیده جامعه ما به یک جامعه طاعون زده مبدل شده است.

فرار از کشور همه روزه افزایش می یابد و سازمان های وابسته و ارتجاعی برای این که از آب گل آلود ماهی صید کنند برای این ملت تعیین تکلیف نموده و دست به بازی های سیاسی میزنند. عده ای به منافع خارجی ها جبهه جدیدی میسازند. عده دیگر در جهت مخالف نیروهای خارجی جبهه مخالف را تشکیل میدهند. ملت ما یک ملت آزادیخواه و دارای گذشته دیرینه و پر افتخارات ملی است، و هیچگاه سر به آستان بیگانگان نمیگذارد. ننگ و نفرت این ملت بر مزدوران خارجی، تسلیم طلبان درباری جهادی های روسی و القاعده ای و داعیشی ها، و گروه های مزدور دیگر که طبل بیگانه پرستی را در این سر زمین به صدا در آورده اند، باد!

+++++

وضعیت کفاشی های شهر کابل

جرات



به شماره داده شده تماس گرفتیم و تلفن را به وی دادیم ، برایش گفت حاجی صاحب این شماره کارگر است آدم خوب معلوم میشود نزدت روان می کنم. از وی تشکری کرده از دکان برآمدم . رفتیم سراغ کربلایی غلام حسن. آدرسی که برایش داده بود پیدا نمودم دیدم دروازه کارخانه که در یک حویلی مسکونی بود ، مسدود بو . دروازه را تک تک کردم، دیدم کسی در داخل نیس . ناگزیر برای حاجی غلام حسن زنگ زدم و برایش گفتیم حاجی صاحب چند دقیقه پیشتر برایت زنگ زدم، فعلا در پیش دروازه کارخانه

بعد از پانزده سال در اثر بیکاری و خستگی از معلمی خواستم دوباره به شغل کفاشی رو بیاورم . جهت پیدا کردن کار در یکی از کفاشی های شهر کابل منطقه کونه سنگی سر زدم . دیدم دو نفر مشغول چسب زدن چرم های قیچی شده هستند سلام دادم بعد از سلام گفتیم می خواهیم کار کنم شما به کارگر نیاز دارید ، چیزی نگفت با اشاره نشان داد که صاحب دکان کسی دیگری است که در اتاق دیگر نشسته است . کمی پیش رفتیم برایش سلام دادم ، بدون اینکه به طرفم نگاه کند ، گفت چه کاری بلد هستید ، برایش گفتیم هم قالب کاری کرده ام و هم رویه رسانی ، اما چند سال از کار دور بوده ام . برایش گفت: بیادری! ما به یک کارگر ماهر ضرورت داریم ، خیلی کسانی می آیند خود را کارگر جا می زنند و کار ما را خراب می کنند . از برخورد صاحب دکان دانستم که نمی خواهد مرا به کار گیرد . چند کوچه آن طرف تر در یکی از دکانهای نسبتا مفشن داخل شدم ، دیدم کسی مشغول دوخت رویه های کفش می باشد ، برایش سلام دادم ، با چهره خندان سلام مرا جواب گفت . مرا جهت نشستن در یکی از چوکی هایی که در کنارش بود دعوت به نشستن کرد . بعد از ته و بالا نمودن چند کلمه برایش گفتیم: من کارگرم. آیا به کارگر نیاز دارید؟ برایش گفت: ما که به کارگر نیاز نداریم ولی کسی بنام کربلایی غلام حسن که در سرکاریز کارخانه دارد به کارگر نیاز دارد. شماره تلفنش را برایت می دهم خودت تماس بگیر. من فوراً

به هر صورت چند روز با هم مشترک کار کردیم ، گرچه غفار چند ماهی می شد که از ایران آمده بود و خودش را شامل اردوی رژیم کرده بود اما بعد از اینکه تمرینات وی تمام شده بود وی را به هلمند انتقال داده بودند و بعد از یک ماه از آنجا فرار کرده بود . به هر صورت در مجموع حاجی صاحب بالای کار ما اعتراض داشت . بعد از دو سه روز کسی بنام سید گل آغا با پسرش داخل کار شدند . سید گل آقا با وجودیکه مردی لاف زن بود ، احساس همکاری داشت و چند بار برایم گفت اگر به مشکلی برخوردی من هستم، نگران نباش کارگری از این کارها دارد باید با همدیگر همکاری باشیم . از زندگی وی پرسیدم . برایم گفت : از کودکی شامل کارخانه بوت آهو شدم ، بعد از چند سال کار و تحولات ایران رفتم و تقریباً بیست سال آنجا کفاشی نمودم . بعد از سقوط طالبها با فامیلم برگشتم به وطن . چند سالی خرید و فروش زمین کردم ، خوب سرمایه جمع کردم اما نفهمیدم در اثر بی توجهی و خراب شدن قیمت زمین از موی سر بیشتر قرضدار شدم ، چند سالی در لین هزارجات موتر چلاندم ، دیدم پیرشده ام دوباره با عینک خود به کفاشی روی آوردم .

بعد از اینکه تقریباً ده روز را در کارخانه حاجی صاحب کار نمودم ، روزی حاجی صاحب آمد و به من گفت استاد به شما دیگر نیاز نیست ، لطفاً برایتان کار پیدا کنید . اگر به دیزاین نیاز داشتم برایت زنگ می زدم .

فردای آن روز در سرک کمپنی در یک کارخانه بوت دوزی دیگر شامل کار شدم . گفتم قالب کارهستم . کار را شروع کردم . چند پسر جوان نیز آنجا کار می کردند از وضعیت موجود در فغان بودند و خواب خیال اروپا رفتن را می دیدند . کارگر بغل دستی من جوانی بود بنام شفیع که در مکتب غازی متعلم صنف یازدهم بود و از قرار قصه هایش دو سه سال ناکام مانده بود . از من پرسید ، قبلاً چه کار می کردید گفتم استاد کمپیوتر بودم و سالها در این رشته تدریس نموده ام ، بلند خندید و گفت استاد فردا دیگر مکتب نمی روم ، شما سالها تدریس کرده اید کفاشی می کنید من که نهایتاً صنف دوازدهم را تمام کنم بازهم کفاش هستم بهتر است سر از فردا نروم .

شرایط سیاسی و اجتماعی کشور را برایش توضیح دادم و وضعیت و وظیفه جوانان را در کشور برایش گفتم و از بازوی پر توان کارگر برایش صحبت نمودم . تا حدی روحیه گرفت و با من دوست شد . از قضا روزی چکش به ناخنم اثابت کرد و چند روزی به کار رفته نتوانستم وقتی دوباره رفتم صاحب کار برایم گفت استاد جان معذرت می خواهم من به جای کسی دیگری را کارگر گرفتم .

ایستاده هستم ، فکر کنم داخل کسی نیست . برایم گفت صبر کن زود میرسم . چند دقیقه گذشت دیدم شخصی که تقریباً ۵۰ سال دارد آمد و خود را حاجی غلام حسن معرفی کرد . من هم خودم را معرفی کردم . گفت ! بیا داخل بریم . وقتی داخل حویلی شدم . محیط شبیه خانه مسکونی بود . گل ، درخت ، خلاصه یک محیط سرسبز بود . رفتیم داخل ، دیدم کسی نیست . پرسیدم حاجی صاحب کارخانه رخصت است؟ آهی کشید گفت: ای بیادر از دولت سر عین و غین کی کارو بار مانده از نوروز تا هنوز یک جوهره کفش هم تولید نکردیم . با یک پشتون جنوبی شریک بودم ، در مندوی دکان داشتیم لک ها افغانی تاوان کردیم . شراکت را به هم زدیم دکان سهم شریکم شد و کارخانه سهم من . فعلاً نه کارگر است و نه تولید . پرسیدم یعنی به این حد کار و بار خراب است؟ گفت نه . دو سه سال می شود بازار کفشهای چینیایی خوابیده شکر کار و بار بوت سازیهای وطنی خوب است اما کارگر پیدا نمی شود . کارگری هم که پیدا می شود یا لنده (لومپن) است یا معتاد به مواد مخدر ، بیادر سرکارگر هیچ اعتبار نیست ، چند روز پیش یک کارگر گرفتم ظاهراً خوب معلوم می شد . بعداً دیده شد که نصف روزش در تشناب تیر می شود از بچه ها پرسیدم کارگر مریض است ؟ گفتند نه فکر کنم کدام چیزی می کشد . چند روز کار کرد . گفتم بیادر از ما و تو نشد ، جوابش دادم . برایم گفت تو کار بلدی . برایش گفتم بلد بودم چند سال می شود دور بوده ام ، اما مطمئن هستم که در مدت دو سه روز دوباره رد کار را پیدا می کنم . گفت: فردا بیا کار را شروع کن . دو سه روز با یکی از دوستتانه که از حقوق فارغ شده بود و بیکار بود یکجا کار کردیم . چون بعد از سالها دوباره به کار کفاشی شروع کرده بودم ، کار ما صاف نبود . حاجی می آمد می گفت خیر است پروا ندارد دو سه درجن صدقه سرتان کوشش کنید که کار را صاف بکشید . بعد از دو سه روز حاجی صاحب کارگری را بنام غفار با ما معرفی کرد و گفت ازین به بعد با استاد غفار یکجا کار کنید . دو سه روز یکجا کار کردیم . استاد غفار با لهجه ایرانی حرف میزد و آدم خوش برخورد بود . تمام روز با دوست دخترهایش تلفنی حرف می زد . یکی از روزها کسی که با من کار می کرد برایش گفت ، چه خوش گذرانی جور کردی با یکی جور بیا و ازدواج کن و با سرنوشت دخترها بازی نکن ، خندیده گفت اینها کسانی نیست که برای آدم زن شود ، برای ساعت تیری خوبند . با دختری در ایران پیوند عاشقی برقرار نمودم سرم کلاه گذاشت ، من هم به این شیوه از زنها انتقام خود را می گیرم . به مسایل سیاسی علاقه داشت اما خودش را سر سخت پابند دین و آئین می گرفت و از خدا زیاد میترسید . برایش گفتم همین کارهایی که می کنی از لحاظ شریعت گناه است . به جهنم داخل می شوی . یک روز برایش گفتم یا از این کارهایت بتر یا از دین و خدا ، رو به آسمان کرده گفت ، چنین نگویند که سقف اتاق پایین می آید خدا غضب می کند . برایش گفتم کاری می کنی خدا سرت غضب کند ، گفت خدا عادل و بخشاینده است ، شاید مرا ببخشد .

آمار یا احصائیه چیست ؟

" آزاد " ۲۴ / ۱ / ۱۳۹۵



آمار یا احصائیه وضعیتی است که دولت برای سرشماری تمام اعضای ملت یا به اصطلاح هر خانواده را سنجش نموده و آمار دقیقی از نفوس کشور خویش در دست دارد، ولی متأسفانه باید بگویم که در کشور ما دولت دست نشانده که به راس قدرت تکیه زده است از آمار یا احصائیه بوی نمی برند، زیرا آمار یا احصائیه عبارت از مجموعه‌ای از روش‌ها برای طرح آزمایش‌ها، بدست آوردن داده‌ها و سپس تجزیه و تحلیل، تعبیر و استخراج نتایج براساس داده‌ها می‌باشد. یا به عبارت دیگر آمار یا احصائیه ابدا کاربرد روش‌های ریاضی مختلف برای تخمین احتمال نتیجه‌گیری صحیح در مورد صفات بخصوص یک یا چند جمعیت از طریق بررسی یک یا چند نمونه می‌باشد. در یکی از کشورهای خارجی که دقیق به یادم نیست که احتمالاً فکر کنم (آیسلند یا نیوزلند) است آنقدر مدیریت کاری شان بالاست که نفوس خویش را ثانیه به ثانیه سنجش نموده و می‌گویند که کشورش در فلان روز در فلان ساعت دارای اینقدر نفوس است و اگر یک نفر متولد می‌شود و یا فوت می‌کند آنرا سرشمارش کم یا اضافه می‌کنند.

آن دو میلیون یک نفر می‌شود و یا اینکه یک نفر فوت می‌کند باید سنجش منظم داشته و از دو میلیون یک نفر کم شود یک میلیون نهصد و نود نه هزار دیگرش باقی مانده است. ولی جای تأسف است که دولت دست نشانده به بهانه احصائیه نفوس و از بی‌خبری توده‌های ستمدیده فوق‌العاده سوء استفاده می‌کند.

توده‌های زحمتکش باید بدانند تا زمانیکه اشغالگران در افغانستان حضور داشته باشند و رژیم‌های دست نشانده شان بر ما حکم‌روایی کنند این وضعیت پا بر جا است و حتی روز به روز بد و بدتر می‌گردد.

هموطن زحمتکش !

وظیفه من و تو و هر نیروی انقلابی است تا چهره خاینانه دولت دست نشانده را افشاء نموده و نقاب کذب را از چهره شان پاره نموده و علیه رژیم دست نشانده و اربابان اشغالگرشان به مبارزه برخاسته و به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی بپردازیم و تا بیرون راندن قهری اشغالگران امپریالیست و سرنگونی رژیم دست نشانده و استقرار یک دولت مردمی که نشانی از ستم در آن نباشد به پیش روییم.

ولی کاری که فعلاً رژیم دست نشانده با کمک اربابان خارجی اش روی دست گرفته است کاری جز حیف و میل کردن بودجه مالی که برای این بخش یا پروسه فوق در نظر گرفته اند نیست، اینان فقط به فکر جیب‌های شخصی خود هستند بناء بخاطری که بتوانند یک نوع اسناد تقلبی یا جعلی برای خود درست نموده و بعنوان یک سند در دسترس داشته باشند چنین کاری را روی دست گرفته اند، در حالیکه طبق تعریف که از آمار یا احصائیه شد باید ثانیه به ثانیه یا حداقل دقیقه به دقیقه توان شمارش نفوس خویش را که در یک ثانیه یا یک دقیقه (یک نفر به نفوس کشور زیاد شده و یا از بین رفته است)، داشته باشند یعنی مثلاً اگر نفوس افغانستان یا یکی از ولایت‌هایش مثلاً هرات دارای ۲ یا ۴ میلیون نفر می‌باشد بتوانند آمار دقیق از شمارش نفوس این ولایت را در دست داشته باشند که در ولایت هرات در یک ثانیه یک نفر در یک خانواده متولد می‌شود و نفوس

واقعیت های جامعه ما و حکومت دست نشانده

علی کارگر



توده های زحمتکش افغانستان نباید هیچ توقعی برای کار مفید از این رژیم دست نشانده داشته باشند. زیرا رژیمی که دست نشانده اشغالگران باشد بهتر از این نمی تواند کاری انجام دهد.

توده ها باید درک کنند که برای بیرون رفت از این وضعیت باید به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیشآهنگ طبقه کارگر پردازند و این مقاومت را تا بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده به پیش برند و بیرق جامعه دموکراتیک نوین را در قله های این مرز و بوم به احتزاز در آورند. به امید چنین روزی حرکت می کنیم.

زنده باد مبارزات برحق ملت افغانستان



امروز زحمتکشان این سرزمین از ناامنی رنج می برند و فقر اقتصادی دامنگیر خانواده های شان گردیده است و بخاطر این فقر اقتصادی که روز به روز دامنه آن تنگ تر و تنگ تر می گردد، معدود کسانی هستند که مجبور می شوند دست به هر کار خلاف انسانی و اخلاقی بزنند تا بتوانند روزگارشان را سپری نمایند.

عده ای فرار را برقرار ترجیح می دهند و در مرزها و دریاها برای بدست آوردن جای امن و رسیدن به لقمه نان بخورنمیری جان های شیرین خود را از دست میدهند. اختطاف ها، اعدام های خودسرانه، خودسوزی ها روز به روز بیشتر و بیشتر شده و میشود.

فقر و بیکاری که سر منشاء همه نابسامانی ها است این ملت را فلج کرده است، تمام منابع طبیعی این سرزمین هر روز توسط زورمندان و رژیم دست نشانده به غارت برده شده و به منابع ناجایزشان به مصرف می رسد.

ده ها و صدها پدیده زشت و ناپسند دیگر موجود است که عمال این حکومت خود فروخته و مزدور بالای مردم مصیبت دیده این دیار اعمال می نمایند. این حکومت فاسد همان طوری که شاهد به سرکار آمدنش هستیم توسط آمریکائی های جنایت کار و شرکای شان به میان آمده است که هدف شان جز نابودی مردم این سرزمین و به غارت بردن منابع طبیعی آن به طریقه های مختلف چیز دیگری نبوده و نمی باشد و این روال کار حکومت های این چنینی است که هدف شان خدمت به اشغالگران و فریب و نیرنگ توده های فقیر است.

ملت افغانستان بخصوص زحمتکشان این مرز و بوم باید یقین کامل و باورداشته باشند، تا زمانیکه اشغالگران در کشور حضور داشته و رژیم مزدور شان در حاکمیت تکیه زده باشد، اگر به جای باران از هوا طلا هم ببارد یکسره به کیسه های خارجی ها و زورمندان جایتکاران رژیم دست نشانده می ریزد و وضعیت مردم نه تنها بهبود نمی یابد، بلکه روز به روز بدتر هم می شود.

صنایع دستی در حال نابودی

جرات



نخواهد شد. پوستین و چین سمت شمال و چاقوی غزنی چی در هیچ کارخانه کسورهای که به افغانستان اموال تجارتي شان را وارد می کنند ساخته نمی شود.

بناء به بازار اقتصادی بی سرپوش افغانستان، نه تنها صنایع دستی در حال نابود شدن است بلکه کارخانه‌ها و تولیدی‌هایی که در چند شهر بزرگ مثل هرات، کابل و جلال‌آباد تاسیس شده بودند، فعلا دروازه‌های شان از اثر بی امنیتی، بی برقی و نبود بازار فروش تولیدات وطنی بسته شده است. حتی صنایع دستی زنانه هم دیگر از بازار و رونق مانده است.

هر ازگاهی موسسات خارجی و به همکاری موسسات رژیم دست‌نشانده، به اصطلاح جهت رشد صنایع دستی سیمینارهایی را دایر میکنند و برای فروش چنین



تا همین چند سال پیش، حتی در زمان فرمان‌روائی امارت اسلامی طالبان، صنایع دستی تا حدودی رونق داشت. مثلا در کابل چاقو سازی، زرگری، کفاشی (ساخت و ساز کفش‌های پلاستیکی بنام توبی که تمام دهقانان و چوپان‌ها از آن استفاده می‌کردند. مثلا کلووش (کفش) توبی چنداولی مشهور بود) در غزنی چاقوسازی، پوستین دوزی، چرم‌گری ابتدایی و آهنگری مروج بود. در قندهار زرگری، مس‌گری و کلاه‌سازی قندهاری رونق خوبی داشت. در سمت شمال صنایع دستی قالین‌سازی، چین‌سازی و کلاه قره‌قل‌سازی شهرت و نامی داشت. در هرات صنایع شیشه‌سازی، قالین‌بافی، زرگری و ظروف‌سازی رونق داشت.

کسبه کارانی که در این عرصه مشغول کار بودند از یک جانب درآمدی مطمئن و نسبتا خوبی داشتند و از جانب دیگر مایحتاج روزانه مردم در همین حد از همین صنایع دستی ملی برآورده می‌شد. دیگر این صنایع دستی در سراسر کشور از بین رفته و کسبه کاران یا مرده‌اند یا پیر شده‌اند یا به کار و باری دیگر روی آورده‌اند. فقط در هرات صنایع شیشه‌سازی و قالین‌بافی در حدود چند نفر به کار بی‌رونق و بی‌درآمدشان ادامه می‌دهند.

در این میان فقط صنایع قالین‌بافی در سمت شمال کشور و در خود شهر کابل تا حدی رونق دارد و آن‌هم نظر به نداشتن امکانات ماشین‌های شستشو و فینیشینگ (قیچی‌کاری‌نهایی‌قالین) سود اصلی‌اش را تاجران پاکستانی حاصل می‌کنند و این قالین‌هایی که بدست کسبه کاران افغانستانی ساخته می‌شود، در کشورهای اروپائی بنام قالین پاکستانی به فروش میرسد.

با تاسف باید گفت که سیاست‌های اقتصادی یا عدم سیاست‌های اقتصادی رژیم مزدور نه تنها صنایع دستی را کاملا در حال نابودی قرار داده، بلکه کسانی که از کسبه کاران به کار و باری دیگری رو آورده بودند و یا فعلا بیکار، سرگردان و بی‌سرنوشت می‌گردند هیچ توجهی ندارد.

این امر بسیار بد است. ما نه کفش چنداولی و نه لگن آفتابه مسی قندهاری را از خارج وارد کرده می‌توانیم. کاسه استالیفی در کارخانه‌های چین هرگز تولید

سیاست بازار آزاد که یکی از پدیده‌های نظام سرمایه‌داری است، بدترین ضربه را به تولیدات و صنایع دستی کشورهای تحت اشغالش وارد می‌کند. افغانستان یک کشور اشغال شده است و در این وضعیت نمی‌تواند اقتصاد آزاد و مستقل داشته باشد، بلکه اقتصاد کشور، بدست سرمایه‌داران نظام سرمایه‌داری می‌باشد که به نام‌های نظام‌های سرمایه‌داری بروکرات و کمپرادور یاد می‌شوند. این وضعیت را نظام‌های ضد ملی و مردمی تعیین می‌کنند که مردمان یک کشور اشغال شده به دنبال کدام نوع بازار اقتصادی باشند، بناء کشور افغانستان و مردمان آن نمی‌تواند از این امر مستثنی باشند.

کشورهای اشغال شده ماهیتا نمی‌توانند اقتصاد ملی داشته باشند و توده‌های کشورهای اشغال شده نباید این توقع را از رژیم‌های دست‌نشانده داشته باشند.

صنایع ملی، اقتصاد ملی و فرهنگ ملی فقط می‌تواند در یک رژیم دموکراتیک ملی مردمی پایه بگیرد. در یک کشور اشغال شده صنایع ملی، اقتصادی ملی و فرهنگ ملی نیز اشغال می‌شوند.

بناء در یک کشور که آزادی مردمانش به تاراج رفته باشد و وجب به وجب خاکش جای پای عرابه‌های دشمنان مردم این سرزمین باشد، از رشد اقتصادی ملی خبری نخواهد بود. از صنایع ملی خبری نخواهد بود، دستان هنرمند و پر توان زنان و مردان این کشور و مردم این کشور دیگر از حرکت باز خواهند ماند. در کشوری که رژیمش توان پرداخت یک روزه معاش کارمندان را نداشته باشد، توده‌های زحمت کش کشور نباید چشم امید از چنین رژیم دست‌نشانده و ناتوان داشته باشند بلکه در سدد بیرون رفت از این وضعیت به مبارزه و مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی تا بیرون راندن قهری نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست‌نشانده پردازند تا کشور بتواند صاحب یک نظام دموکراتیک نوین مردمی شود. در غیر آن نمی‌توان از اقتصاد خوب، صنایع مدرن و ملی حرف به زبان آورد.

تولیدات چند روز در یک محلی خاص، بازار فروش بنا می‌کنند، اما بخوبی روشن است که این موسسات فقط جهت پروژه یابی مجدد به چنین اعمالی مبادرت می‌ورزند.

صنایع دستی در واقع نمایان گر فرهنگ و کلتور مردمان یک کشور است. تولیدات صنایع دستی از یک جانب که در آمد اقتصادی به بار می‌آورد از جانب دیگر نشان دهنده سطح فرهنگی یک جامعه را نشان می‌دهد. صنایع دستی نباید نابود شود بلکه هرچه بیشتر تقویت و پر بار تر شود. صنایع دستی تا حدی می‌تواند مردمان یک کشور را در حد خودش خود کفا بسازد. مثلا اگر صنایع چاقو سازی رشد می‌کرد دیگر هیچ کس لازم نمی‌دید در بازار بوش برود و دنبال چاقوهای امریکایی که به درد خودش می‌خورد بگردد. مثلا اگر در رسانه‌ها بجای کفش تی جی تی جی کفش ساخت خود کسبه کاران افغانستانی تبلیغ می‌شد، دیگر در بازار افغانستان جایی برای کفش چینیایی نمی‌بود. مثلا اگر در رسانه‌ها بجای پیتزای اروپایی، بولانی و بجای بیف و برگر خارجی، چاینکی و بجای زیر پیراهنی و شورت اروپایی پوستین سمت شمال تبلیغ می‌شد، دیگر یقینا مردم به استفاده تولیدات غذایی افغانستانی و صنایع خود کشور رو می‌آوردند. مردم نباید از رسانه‌های که سرتاپا در خدمت این نظام قرار دارند و بلندگوی کشورهای اشغالگر می‌باشند، انتظار داشته باشند. زیرا ماهیت چنین رسانه‌ها قبلا مشخص شده است و هیچ گاه از این رسانه‌ها انتظار نمی‌رود که بلندگوی موضوعات ملی باشند.



فقر دامن گیر کودکان خیابانی

علی کارگر



طبق آمار وزارت کار و امور اجتماعی رژیم و بنا به گزارش تلویزیون "ملی" هرات، در شهر هرات بیش از ۷۰۰۰ کودک خیابانی وجود دارد که یقیناً این آمار دقیق نیست. کودکان خیابانی در این ولایت خیلی بیشتر از اینها می باشد. اگر این تعداد را که رقم ثابت و واقعی آن نیز نخواهد بود بپذیریم و آنرا را ضرب ۳۴ ولایت افغانستان کنیم تعداد شان بالغ می گردد بر ۲۳۸۰۰۰ کودک خیابانی، که به گفته سردمداران رژیم مزدور و رسانه ها، نان آور خانواده های خود هستند.

هر کودک اگر برای ۴ نفر افراد خانواده اش نان آور باشد مجموعاً ۹۵۲۰۰۰ نفر می شود. این تعداد از افراد جامعه از راه جمع آوری زباله زندگی خود را سپری می نمایند. بیش از سه میلیون هم از کودکان و جوانان آغشته به مواد مخدر می باشند که زندگی کاملاً نکبت باری را سپری می کنند.

علت این مصیبت چیست؟ چه کسی این مصیبت ها را دامن می زند؟ اینها سوالات اساسی است که هر شخص با احساس باید از خود سوال کند و علت آنرا در یابد و در پی بیرون رفت از این وضعیت بر آید.

علت اساسی این همه مصیبت ها اشغالگران امپریالیست و دولت دست نشانده می باشد. زیرا اینها جز منافع خود به دیگر چیزی فکر نمی کنند.

جنگ، غارت و چپاول سرمایه های ملی خصیصه ذاتی امپریالیست ها است، بر همین اساس روی کشور های تحت سلطه فشار وارد می کند تا کاملاً مطیع و گوش به فرمان باشند. در صورتیکه کوچکترین تخلفی از دستور شان بنماید یا آنها را گوشمالی داده و سر جای شان می نشاند و یا اینکه با لشکر کشی لجام گسیخته آنها را از قدرت به زیر کشیده کشور را اشغال و رژیم دست نشانده ای مانند رژیم پوشالی افغانستان را به چوکی دست نشانده می رساند. و از این طریق بربادی توده ها و بخصوص کودکان و نسل جوان را به ارمغان می آورند.

وطن داران عزیز!

این است دست آورد و خدمات دولت مزدور در ظرف ۱۵ سال در این سرزمین برای توده های ستمدیده. هر قدر که از عمر این رژیم پوشالی بگذرد به همان اندازه خانه خرابی توده ها بیشتر گردیده و روز به روز به تعداد کودکان خیابانی و معتادین افزوده شده و میشود. پس باید چاره کار را سنجید.

بیاید تا دست به دست هم داده برای طرد اشغالگران از کشور و نابودی این رژیم با "هسته کارگری مبارز افغانستان" متحدانه و هدفمند به مبارزات خود ادامه دهیم و با بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده رژیم دلخواه خود را که همان دموکراسی نوین که دموکراسی را برای اکثریت توده های ستمدیده به ارمغان می آورد بر سر کار بیاورید.

زنده باد آزادی و برابری

مرگ بر اشغالگران

نابود باد حکومت دست نشانده اشغالگران

کمک های " بلاعوض " یانکی ها به مردم افغانستان !



اشغالگران امریکایی برای دولت دست نشانده خود ۴ فروند هواپیمای نظامی بمب افکن مدرن فرستاد که در میدان هوایی کابل به زمین نشست. این خبر را رسانه های دولت دست نشانده چندین بار با چه طمطراقی مملو از شور و شعف آنرا پخش کردند.

اینقدر خوشحالی می نمودند که انگار پدر کلان شان روز عید برای شان عیدی داده است! در حالیکه این ها بخوبی می دانند که توده های زحمتکش افغانستان چه بهای گزافی را در بدل ۴ فروند هواپیما خواهند پرداخت.

کشور ما در فلاکت و وابستگی عام و تام بسر مبرد.

دلیل آن روشن است. اگر این کارهای زیر بنایی صورت گیرد افغانستان از وابستگی رهایی می یابد و به خود کفایی می رسد دیگر نیازی به کمک خارجی ندارد و اشغالگران نمی توانند در کشور حضور نظامی خود را حفظ نموده و به غارت و چپاول بپردازند.

هر کسیکه از اشغالگران و رژیم پوشالی چنین توقعی داشته باشد در توهم غرق است. این کار از عهده اشغالگران و رژیم دست نشانده ساخته نیست. این وظیفه و رسالت نیروهای انقلابی و طبقه کارگر افغانستان است که با اتحاد دهقانان و کلیه زحمتکشان بساط چنین ظلم و ستم را برچینند و بجای ویرانه ها آن جامعه ای بنا نهند که در آن نشانی از ستم نباشد. تا زمانیکه اشغالگران در کشور حضور داشته باشند و رژیم دست نشانده شان بر توده ها حکم براند همین آس است و همین کاسه.

اشغالگران امپریالیست و رژیم مزدورشان باید بدانند که با هشت دهه حکمرانی امپریالیزم انگیس در افغانستان و ۱۰ سال سوسیال امپریالیست ها همراه با رژیم مزدورشان با توده ها ستمدیده چنین برخوردی نمودند ولی توده ها را نتوانستند رام نمایند و به اهداف شوم شان برسند. بالاخره توده ها آنها را مانند نعش متعفن دور انداخت، اشغالگران امروزی هم روزگار بهتری از آنها نخواهند داشت.

هواپیماهای نظامی یانکی ها دقیقا به منظور سرکوب مخالفین اشغالگران و رژیم دست نشانده بکار انداخته می شود، و توده ها را مورد اصابت راکت ها و بمب هایش قرار میدهد، همانطوریکه هواپیماهای سوسیال امپریالیزم چه قبل از اشغال افغانستان و چه بعد از اشغال کشور در جهت بر آوردن منافع و اموال شوم سوسیال امپریالیست ها و رژیم های وابسته و گوش به فرمانش بکار افتاده بود و هزاران نفر از توده های ستمدیده توسط آن هواپیماها بخاک و خون غلطید.

این هواپیماها نیز به همین منظور برای رژیم دست نشانده داده شده است تا از یکطرف برای حفظ جان نیروهایش از آنها استفاده نماید و از سوی دیگر به سرکوب مخالفین، توده ها و نیروهای انقلابی در حال طغیان بپردازد. اصل هدف " کمک بشر دوستانه " اشغالگران امپریالیست همین است. رژیم پوشالی هم می خواهد با بی شرمی تمام اهداف شوم اشغالگران را رنگ و لعاب " کمک های بشر دوستانه " بدهد.

چرا اشغالگران " کمک های بشر دوستانه " شانرا در زمینه زراعتی و نیازهای مورد ضرورت توده های ستمکش به کار نمی اندازند؟ چرا در قریه جات کلینیک نمی سازند، بندهای برق نمی بندند تا هم از وابستگی برق کشورهای بیگانه نجات پیدا کنیم و هم دهقانان به راحتی به کشت و زرع مواد خوراکی بپردازند؟ امروز بیشترین آب ها زمینی ما هدر می رود و کشورهای همسایه مفت و رایگان از آن استفاده می نمایند. اما

تفاوت دیدگاه جهانی امپریالیستی در چیست؟

مجید

سیستم جهانی شدن یک سیستم سرمایهداری بوده و دارای دیدگاه‌های فریبنده در مقابل اندیشه دموکراتیک نوین و خلاف منافع اقشار و طبقات پایین جامعه و چپاول نمودن سرمایه‌های کشورهای تحت سلطه توسط بازارهای کاذب و مصنوعی بنام تمدن و فرهنگ غرب و یک نوع شیوه غارت دارای شکل و مضمون استعماری و استثمار جوامع سنتی را در عصر کنونی در بر گرفته است.

نظر به بررسی‌های فعلی، سیستم جهانی شدن یک سیستمی است که شاه‌رگ حیاتی جوامع انسانی را بریده. یکی از شیوه‌های عوام‌فریبی اش دموکراسی‌های تقلبی حقوق بشری، آزادی زنان، رسانه‌های آزاد در زمینه فرهنگی با ساز و کرنا توسط عاملین خود بنام سازمان‌های جوامع مدنی تبلیغ و ترویج می‌نمایند، می‌باشد.

در زمینه سیاست یکی از شاخص‌های اصلی آن انعکاس دادن فرهنگ استعماری نوین را با تاسیس حکومت‌های وابسته در مناطق دنیا و جهان در زیر چتر نیروهای نظامی و ایجاد پایگاه‌های نظامی توسط مشاورین نظامی و سرکوب ساختن نیروهای مترقی و ملی و به تاخیر انداختن جنبش‌های ملی و مترقی و ضربت وارد ساختن در ذهن و اندیشه‌های نیروهای جوان و مترقی حرکت‌های مردمی تا وارونه جلوه دهند که زمان و عصر دیگر تغییر کرده است تا اندیشه‌های استعماری و ضد مردمی خود را رنگ و لعاب تمدن و پیشرفت تکنولوژی معاصر و دنیای کامپیوتر دهند، جوانان را بسوی آشتی طبقاتی و سازش جهت دهند. تا به زعم خودشان توده‌ها بخصوص نسل جوان را در یک همزیستی بدنای "پر عاطفه" سرمایهداری بکشانند. در حالیکه این دنیای پر عاطفه سرمایه‌داری چیزی نیست جز اینکه توده‌های زحمتکش را با نهایت از خشم و غضب با بیرحمانه‌ترین عمل‌های غیر انسانی از خود عملکرد نشان داده و آنها را به سوی فقر و فاقه و نابودی کامل سوق داده است.

آنچه که در گذشته استعمار کهن توده‌های تحت ستم را به فریاد واداشت، امروز استعمار نوین با تغییر شکل اما



با همان محتوا در کشورهای تحت سلطه دام گسترانیده و برای نیروهای جوان عرصه را تنگ و تنگ‌تر ساخته و با تدویر ذهن توده‌ها و بخصوص نسل جوان را مشوب ساخته و بسیاری آنها را بدنای مجازی و خیالی ورزش‌های ناسالم و تفریحی و جهان‌مد و فیشن و زیبایی‌های مصنوعی و عشق‌های خیالی سوق داده و از این طریق جهان سرمایه‌داری اشغالگرانه زمینه را به فحشا و روسپی‌گری در کشورهای تحت سلطه فراهم نموده اند. این شرایط نامناسب نیز دمار از روزگار توده‌ها در آورده و فریاد شانرا به آسمان رسانده است. از این طریق شرایطی را توسط دست‌پروردگان و دست‌نشاندهاگان شان ایجاد نموده که از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به نفع شان تمام شده و وابستگی‌های اقتصادی و نظامی را در کشورهای تحت سلطه بوجود آورده است. در کشورهایی که اشغال نموده اند مانند افغانستان با رژیم دست‌نشاندهاگان شان توافقنامه‌های امنیتی را به امضاء رساندند که کشور را کاملاً به انقیادشان قرار داده و اشغالگران را بر سرنوشت توده‌ها مسلط گردانیده است. اشغالگران در کشورهای تحت سلطه و بخصوص کشورهایی را که مانند افغانستان به اشغال خود در آورده اند بخاطر رسیدن به مقاصد ناپاک شان و کسب عواید پولی سرمایه‌دارانه بازار قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، حفری در اعماق زمین به منظور بیرون نمودن غیر قانونی معادن و آثار باستانی، تبادل

راه نجات ملت های که در کشور های در حال انکشاف رهبری اش کاملا در دست گرفته اند. با این حال تورم و ورشکستگی را در این کشور ها ایجاد نموده است. این وضعیت از یک طرف باعث تخریب فضای سبز و آلوده ساختن محیط زیست گردیده و از سوی دیگر سبب بلند رفتن قیمت ها و پایین آمدن سطح در آمد مردم گردیده که بیکاری روز افزون را به ارمغان آورده است و باعث آواره شدن عظیمی از نسل جوان وتوده های زحمتکش گردیده است.

روشنفکرانی که به مبلغ و مروج پست مدرنیسم تبدیل گردیده اند در حقیقت آگاهانه به خدمت سیستم منفور سرمایه داری جهانی مبدل شده اند و کسانی که ناآگاهانه درین مسیر روانند و فریب جملات "ادیبانه" و مبلغین سرمایه داری را خورده اند در رشد فکری خود مساعی به خرج دهند و پناه به آثار کلاسیک اندیشه های مردمی و مترقی ببرند با تعمق و تفکر در مسیر حرکت های مبارزاتی در اهداف برآورده ساختن مصالح و منافع ملی که میتواند خواسته همگانی افراد جامعه را انعکاس دهد تداوم بخشند.

در شرایط کنونی که افغانستان مورد تجاوز و اشغالگری امپریالیست ها قرار گرفته است، در چنین شرایطی تضاد با اشغالگران تضاد عمده کشور ما را تشکیل می دهد بناء نیروهای انقلابی کشور معتقد اند که در مرحله نخست باید با دشمن عمده یعنی اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده به مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی پرداخت و با تمام نیروهای ضد اشغالگران امپریالیست جبهه متحد ملی را تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر ساخت و از این طریق این مبارزه تا بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده را به پیش برد. بعد از بیرون راندن اشغالگران باید که انقلاب دموکراتیک نوین تا پیروزی قطعی به پیش سوق داد. این بدان معنی نیست که در زمان مبارزه با اشغالگران مبارزه طبقاتی و انقلاب دموکراتیک نوین را فراموش نمود. در جریان مبارزه علیه اشغالگران باید به مبارزه طبقاتی هم توجه نمود، زیرا بی توجهی به مبارزه طبقاتی تسلیم طلبی طبقاتی را در مورد دشمن غیر عمده فراهم می سازد. نیروهای انقلابی در ترکیب جبهه متحد ملی همانقدر که به وحدت جبهه پا فشاری دارند و برایش اهمیت قایل اند به همان اندازه به مبارزه در درون جبهه متحد اهمیت می دهند.

جنگ خصیصه ذاتی امپریالیست هاست و پدیده ای است که جهان سرمایه داری از آن سود می برد و برای از بین بردن این پدیده شوم فقط خلق ها می توانند با بسیج همگانی و مقاومت قهری انقلابی و ملی علیه امپریالیسم تمامی نیروهای ارتجاعی را به راه اندازند و آنها را نابود سازند.



راه رسیدن به آزادی و برابری (دموکراسی نوین)

علی کارگر

از اینگونه جنایات بوده و نشان داده است هر زمانی که به اشغال بیگانگان در آمده است مردمانش روی خوش را ندیده اند. تا زمانی که اشغالگران در این سرزمین حضور داشته باشند و جنایت کاران دست نشانده شان حکم برانند، غارت، چپاول، تاراج معادن، اختطاف، تجاوزات جنسی، اعتیاد به مواد مخدر در بدری و آواره شدن در کشور های بیگانه روز بروز افزایش می یابد.

اگر کسی فکر نماید که در زیر چتر اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده زندگی توده ها از دیروز بهتر می شود و سر و سامانی میگیرد، در توهم بسر می برد و یک خیال خامی بیش نخواهد بود. زیرا هیچ نیروی اشغالگر و خاین ملی برای توده ها کار نمی کند. آنها قبل از همه به منافع خود می نگرند.

باز هم اگر کسی فکر کند که میشود با همیاری و همکاری اشغالگران و رژیم دست نشانده دموکراسی توده ای و عدالت اجتماعی را تامین نمود و از طریق این همکاری ایشان را از کشور بیرون راند، جزء یک تسلیم طلب و خاین ملی چیز دیگری نخواهد بود. زیرا اشغالگران و رژیم دست نشانده به رضایت و رغبت تن به شکست نمی دهند، مگر اینکه توده از طریق مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی و با زور آنها را منهدم نماید. یگانه راه برای بهروزی توده های ستمدیده فقط همین راه است و بس.

باید با تمام توان و نیرو به مقاومت ملی مردمی و انقلابی برخاست و اشغالگران را ازین سرزمین بیرون راند و رژیم دست نشانده را از قدرت ساقط ساخت و نظامی که عدالت اجتماعی واقعی (دموکراسی نوین) را به میان می آورد، روی کار آورد و تا محو هر گونه ستم به پیش رفت.

«هسته کارگری مبارز افغانستان» مصمم است و راهکاری بهتر از متشکل شدن و متشکل نمودن توده های زیر ستم نمی بیند و با اتحاد تمام انسانهای زحمتکش و دلسوز و با در نظر گرفتن تمام گرفتاریهای موجود قاطعانه اعلام می نماید که از این طریق آمل و آرزوهای این ملت فقیر و زیر ستم را برآورده خواهد ساخت و عدالت اجتماعی که ۹۵ درصد مردمان این سرزمین به آن نیاز دارند نهادینه خواهد ساخت. پس بیائید با «هسته کارگری مبارز افغانستان» دست به دست هم دهید و تحت رهبری پیشاهنگاش به همه این نا بسامانی ها خاتمه بخشیم.

روی صحبتیم با کسانی است که از این وضعیت اسفناک و بی بند و بار به ستوه آمده اند و حیرانند که چی کار باید بکنند نه به آن کسانی که به طریقه ها و به بهانه های مختلف خود تن به تسلیمی و تسلیم طلبی داده اند.

تسلیم طلبان به توده ها پشت نموده و به آرمان انقلابی شان خیانت ورزیده اند. آنها منافع ملی را به پای منافع شخصی و ناچیز فدا نموده اند. بناء تسلیم شدگان و تسلیم طلبان در صف اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده ایستاده و از جمله خائنین ملی محسوب می گردند.

پیامم به کسانی که فریب رهبران خود فروخته تسلیم طلب را خورده اند و بدام تسلیمی و تسلیم طلبی افتاده اند اینست که هر چه زود تر خود را از این لجن کشیده و در صف انقلابیون مبارز و توده های ستمدیده بایستند و این لکه ننگ را از پیشانی خود پاک نمایند.

هموطنان عزیز! همانطوری که شاهد هستید این سرزمین توسط وطن فروشان که به عنوان نیروی زمینی اشغالگران وارد عمل گردیدند به اشغال امپریالیست های اشغالگر به رهبری اشغالگران امپریالیست امریکایی است و دولت مزدور و نوکران امریکایی در این سرزمین بر مسند قدرت تکیه زده اند. رژیم دست نشانده که بدون باداران اشغالگرش نمی تواند دوام و بقائی داشته باشد برای فریب توده ها همه روزه فریاد می زند و تاکید میکنند که بدون نیروهای اشغالگر امریکایی این سرزمین دوباره به دام طالبان خواهد افتاد و نا امن خواهد شد. بدین طریق توافقنامه امنیتی را به امضاء رساند و افغانستان را برای سالیان طولانی به اشغالگران امریکایی فروخت. از نظر رژیم دست نشانده امنیت یعنی حضور اشغالگران در افغانستان. در حالیکه تاریخ ۱۵ ساله اشغال افغانستان بخوبی ثابت نموده که حضور نظامی اشغالگران باعث نا امنی کشور گردیده است نه عدم حضور شان. حضور اشغالگران در افغانستان فقط برای تامین امنیت مزدوران شان می باشد نه توده ها. بحثی که رژیم دست نشانده در مورد امنیت کشور می نماید دقیقا که خود شانرا در نظر دارند، زیرا مالک کشور خود را می دانند نه توده ها را. بناء امنیت را فقط برای خود می خواهند به همین منظور تلاش دارند تا توده ها بفریبند که حضور نیروهای اشغالگر ضروری است.

تاریخ مستعمراتی و نیمه مستعمراتی این سرزمین مملو

عناوین مندرج این شماره:

تسلیمی و تسلیم طلبی در قبال اشغالگران امپریالیست و رژیم
پوشالی خیانت ملی است. صفحه ۲

راه نجات چیست؟ صفحه ۳

وضعیت کفاشی‌های شهر کابل صفحه ۵

آمار یا احصائیه چیست؟ صفحه ۷

واقعیت‌های جامعه ما و حکومت دست‌نشانده صفحه ۸

صنایع دستی در حال نابودی صفحه ۹

فقر دامن‌گیر کودکان خیابانی صفحه ۱۱

کمک‌های «بلاعوض» یانکی‌ها به مردم افغانستان! صفحه ۱۲

تفاوت دیدگاه جهانی امپریالیستی در چیست؟ صفحه ۱۳

راه رسیدن به آزادی و برابری (دموکراسی نوین) صفحه ۱۵



"هسته کارگری مبارز افغانستان" صدای برحق کارگران ستمدیده افغانستانی است

آدرس ما: www.kargaranafghanistan.blogfa.com

ایمیل آدرس ما: hastakargari@yahoo.com